

## بررسی مسائل حقوقی در زمینه اصل آزادی قراردادها

حسین حیدری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

### چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی مسائل حقوقی در زمینه اصل آزادی قراردادها می باشد. این تحقیق به صورت تحلیلی صورت گرفته است. اصل آزادی قراردادی اصلی پذیرفته شده به این مضمون است که افراد در انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه آزاد هستند و کسی نمی تواند در این باره هیچ گونه محدودیتی را بر اراده انسان برای معین کردن شروط و حدود تحمیل کند. به عبارت دیگر هر کس می تواند به اراده خود تعهدات و قراردادهای الزام آوری را که از لحاظ قانون قابل اجراست و ضمانت اجرائی دارد قبول کند یا از قبول آن امتناع نماید. این اصل به عنوان بخشی از اصل حاکمیت در حقوق ایران بوسیله ماده ۱۰ قانون مدنی پذیرفته شده است. به موجب این ماده «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد نافذ است.» پس جز در مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده است اراده اشخاص، حاکم بر سرنوشت پیمانهای آنها است و آزادی اراده را باید به عنوان اصل پذیرفت.

### کلمات کلیدی

حق، حکم، قراردادها، اصل آزادی، اصل آزادی قراردادها

<sup>۱</sup> کارشناسی حقوق ثبتی. (Email: Hosein.heydari7477@gmail.com)

## مقدمه

اصل آزادی قراردادهای یکی از مهم‌ترین اصول و قواعد حاکم بر حقوق قراردادهای در حقوق خصوصی است که در آن افراد و گروه‌های خصوصی را برای ایجاد قرارداد و بدون محدودیت دولت مجاز می‌داند، از طریق آزادی قراردادهای، افراد دارای آزادی کلی هستند و می‌توانند انتخاب کنند که چه قراردادی را با چه کسی و با چه شروطی منعقد کنند، اجرای این اصل در دایره حقوق خصوصی است و در حقوق عمومی نظیر مقررات دولتی مانند قوانین حداقل دستمزد، صلاحیت و اختیارات مقامات عمومی، قوانین رقابت، مجازات اقتصادی و ... جاری نمی‌شود.

به عبارت دیگر اصل حاکمیت اراده که اصل آزادی قراردادی یا اصل آزادی قراردادهای نیز خوانده می‌شود، مهم‌ترین و اصولی‌ترین اصل در حقوق قراردادهای به‌شمار می‌رود و به معنای مبنابودن اراده طرفین، تعهد در مشروعیت و ضمانت اجرای تعهدات و عقود است. این مفهوم به‌حدی مهم و مبنایی است که برخی تحلیلگران معتقدند که حتی عوامل محدودکننده این اصل یعنی قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه هم در جهت رعایت همین اصل است؛ چرا که این عوامل محدودکننده نیز در واقع همان اراده جمعی اشخاص جامعه است که باید در همه قراردادهای و توافقات محترم واقع شوند. اصل حاکمیت اراده مقرر می‌دارد طرفین عقد، آزادند اراده خود را تا جایی که مخالف قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد، در عقد منعکس کنند.

اصل آزادی قراردادی، به عنوان یک اصل حقوقی، از مفهوم فلسفی آزادی و آزادی اراده نشأت می‌گیرد و در بنیان حقوق افراد قرار دارد. زمان شکل‌گیری دقیق مفهوم حاکمیت اراده معلوم نیست. به نظر می‌رسد که اولین نشانه‌های این اصل در انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای در قرن شانزدهم ظاهر شده باشد، اما تدوین نظریه و تبیین این مفهوم، به ویژه پس از تأکید بر آزادی فردی در قرن نوزدهم رخ داده است. به نظر می‌رسد که اصول کلی حاکمیت اراده، به عنوان انتخاب آزادانه طرفین قرارداد در زمینه قانون حاکم بر معامله، از قرن ۱۶ میلادی مورد توجه قرار گرفته است. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که برای یافتن منشأ این مفهوم، نظرات حقوق‌دان فرانسوی Molinaeus Dumoulin در قرن ۱۶ میلادی باید مورد بررسی قرار گیرد. افرادی همچون Lorenzen و Nussbaum معتقدند که برای پیدا کردن مبدع این اصل، نظرات این حقوق‌دان فرانسوی اهمیت زیادی دارد. حتی برخی معتقدند که دانشمند هلندی به نام هوبر از قرن هفدهم، اولین فردی بوده که اصل حاکمیت اراده را مطرح کرده است. از آنجا که مفهوم حاکمیت اراده، اساس آزادی دو طرف قرارداد است، می‌توان آن را به مکتب لیبرالیسم قرن ۱۹ میلادی نزدیک دانست. در این دوران، این مفهوم به عنوان مفهومی اساسی و ریشه‌دار در نظر گرفته می‌شد. در دوره ویکتوریا، قضات این دوره از اصل حاکمیت اراده، با استناد به فلسفه Benthamite که بر لیبرالیسم laissez-faire تأکید می‌کرد، حمایت می‌کردند. در اینجا، به جای محل عقد یا اجرا، طرفین قرارداد به عنوان افرادی با نقش اساسی در حقوق قراردادهای انگلستان مطرح می‌شدند. اصل laissez-faire بر این اساس بود که قانون باید حداقل مداخله را در روابط تجاری مردم داشته باشد. این فلسفه اهداف مهمی داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش قدرت مردم برای تقویت اراده شخصی و امکان اداره بهتر کسب و کارهای خود به صورت مستقل بدون مداخله حکومت اشاره کرد.

## تعریف اصل آزادی قراردادهای

اصل آزادی قراردادی، در حقوق ما بوسیله ماده ۱۰ قانون مدنی اعلام شده است. به موجب این ماده: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد، نافذ است». پس، جز در

مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرار داد ایجاد کرده است، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت پیمانهای ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان «اصل» پذیرفت.

نمی‌توان ادعا کرد که مفاد این ماده در حقوق ما پیشینه تاریخی ندارد و ابداع نویسندگان قانون مدنی یا ثمره تقلید از حقوق اروپایی است، زیرا فقیهان امامیه، دست کم در مبحث شرط، از همین اصل پیروی می‌کرده‌اند و عقد صلح در مقام معامله وسیله تأمین آزادی اراده در قراردادها بوده است.

اصل آزادی قراردادها در نظر قانونگذار یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده بوده است، بدین معنی که، چون اراده شخص خودبه‌خود محترم و دارای اثر حقوقی است، نفوذ عقد نیز نیاز به تصریح قانونگذار ندارد و اشخاص آزادند تا چنانکه می‌خواهند هم پیمان شوند. ولی، باید دانست که پذیرفتن «اصل آزادی قراردادی» مستلزم اعتقاد به افکار فرد گرایان درباره «حاکمیت اراده» نیست. در حقوق کنونی همه کم و بیش پذیرفته‌اند که حکومت واقعی با قانون است، ولی فایده‌های عملی احترام به پیمانها باعث شده است که «آزادی قراردادی» به عنوان اصل پذیرفته شود و مبنای واقعی آن ملاحظه‌های اجتماعی و مصلحت‌اندیشی اقتصادی است.

اصل آزادی قراردادها، به این معنا است که افراد در انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه آزاد هستند و هیچ کس نمی‌تواند در این باره هیچ‌گونه محدودیتی را بر اراده انسان برای معین کردن حدود و شروط تحمیل کند. به عبارت دیگر هر کس می‌تواند به اراده خود تعهدات و اراده‌های الزام‌آور را که قانونی هستند و دارای ضمانت اجرایی هستند را قبول کند یا از قبول آنها امتناع کند. مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» این ماده که بر اساس اصل حاکمیت است اصل آزادی قراردادها را بخشی از خود میدانند. در فقه نیز این نظر پذیرفته شده است و پیرو آن هستند.

### نتایج اساسی حاصل از اصل آزادی قراردادی:

از اصل آزادی قراردادی چهار نتیجه اساسی گرفته می‌شود:

اشخاص می‌توانند قرارداد را، زیر هر عنوان که مایل باشند، منعقد سازند و نتایج و آثار آن را به دلخواه معین کنند. قانون مدنی آثار و شرایط پاره‌ای از عقود را که اهمیت اقتصادی و اخلاقی ویژه‌ای داشته به تفصیل پیش بینی کرده است. به همین مناسبت نیز این گروه را «عقود معین» می‌گویند: مانند عقد بیع و اجاره و صلح و هبه و وکالت و قرض. ولی، باید دانست که پیش بینی این نهادهای حقوقی بدان معنی نیست که اشخاص ناچار باشند یکی از آنها را برای هر پیمان برگزینند و تنها از این راه است که می‌توانند روابط مالی و اخلاقی خویش را تنظیم کنند. از اصل آزادی قراردادی در عقود معین نیز برای گسترش دادن به حکومت اراده می‌توان سود برد. زیرا، هدف اصلی از وضع ماده ۱۰ این است که، در موارد اجمال یا سکوت قانون، اراده دو طرف عقد حاکم بر روابط ایشان باشد و از این لحاظ بین عقود معین و سایر قراردادها تفاوتی وجود ندارد.

عقد با تراضی واقع می‌شود و تشریفات خاص ندارد و دو طرف آن ناگزیر از بکار بردن واژه‌های معین نیستند. بیان اراده وسیله دست یافتن به خواسته‌های واقعی آنان است و با هر لفظ و حرکت که انجام شود اثر دارد. تشریفات دیگر، مانند حضور شاهد یا تنظیم سند، ضروری نیست و نیروی الزام‌آور عقد به آن ارتباط ندارد.

دو طرف عقد ملزم به رعایت آن هستند. بایستی پیمان خویش را محترم دارند و تعهد ناشی از آن را اجرا کنند. دادگاه نیز، به بهانه اجرای عدالت و انصاف، حق ندارد شرایط عقد را تعدیل یا مدیون را از آنچه به عهده دارد معاف کند.

اثر عقد محدود به کسانی است که در تراضی دخالت داشته‌اند و دیگران از آن سود و زیان نمی‌برند. آزادی هر شخص محدود به آزادی دیگران است و هیچکس نمی‌تواند، جز در موارد استثنایی، تعهدی بر دیگری تحمیل کند یا به سود او حقی بوجود آورد.

### آثار ناشی از اصل آزادی قراردادها

وقتی طرفین با رعایت قانون و به طور آزاد قراردادی را منعقد کردند باید به آثار و لوازم آن نیز ملزم باشند. این آثار عبارتند از:

الف) اشخاص آزادند تا هر قراردادی را تحت هر عنوان و با هر شرایطی انتخاب و منعقد و از انعقاد هر قراردادی نیز که تمایل ندارند خودداری نمایند، مشروط بر اینکه مخالف قانون نباشد. این امر نه تنها شامل عقود و قراردادهای معین است، بلکه در مورد عقود غیرمعین نیز صادق می‌باشد.

ب) وقتی طرفین با تراضی و طیب خاطر عقدی را منعقد کردند به آثار آن ملزم و پایبند می‌باشند و حق ندارند به دلایل واهی و شخصی از اجرای آن خودداری کرده و یا بدون دلیل برای رهایی از اجرای قرارداد به دستگاه قضایی متوسل شوند.

**نکته:** این اصل در فقه اسلامی هم به شدت حمایت شده و لزوم اجرای تعهدات و وفای به عهد به کرات مورد تاکید قرار گرفته است.

پ) داشتن آزادی به این معنی است که اشخاص میتوانند در عقود غیرمعین بدون رعایت تشریفات و یا عناوین مشخص قرارداد خود را انتخاب و منعقد نمایند و در عقود معین نیز پس از رعایت تشریفات شکلی آن به همان صورت رفتار کنند.

ت) اشخاص در انتخاب طرف قرارداد خود نیز آزادی دارند و ملزم به عقد قرارداد با اشخاص معینی نیستند مگر در موارد خاص و استثنایی.

ث) آزادی افراد در ایجاد الزام قراردادی فقط مربوط به شخص ایشان است و به هیچ وجه به معنی آزادی ایشان در ملزم کردن اشخاص ثالث نیست. به همین جهت ماده ۲۱۹ قانون مدنی هر عقدی را فقط بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع میداند.

### حدود اصل آزادی قراردادی

اصل آزادی قراردادی به عنوان یک وسیله مفید اجتماعی پذیرفته شده است. پس، هر جا که از این وسیله نمی‌توان استفاده مطلوب را برد، قانون آن را محدود می‌سازد. چنانکه در ماده ۱۰ قانون مدنی نیز نفوذ قراردادهای خصوصی منوط بر این شده است که مخالف صریح قانون نباشد و در ماده ۹۷۵ همان قانون آمده است که: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعلت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود بموقع اجرا گذارد، اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد».

در اثر دخالت روز افزون دولت در امور اقتصادی، مفهوم نظم عمومی گسترش فراوان یافته و به همان نسبت از آزادی دو طرف قرارداد کاسته شده است. علت‌های بطلان قراردادها رو به فزونی است و بیشتر شرایط عقود که جنبه اجتماعی دارد از طرف دولت به اشخاص تحمیل می‌شود.

الزام آور بودن مفاد قراردادها نیز به اعتبار پیشین خود باقی نمانده است و رفته رفته این فکر قوت می‌گیرد که، هر گاه در اثر حادثه‌ای پیش‌بینی نشده ارزش پول تنزل فاحش یابد، دادگاه بتواند، با تعدیل شرایط قرارداد، تعهد مدیون را متناسب با اوضاع اقتصادی کند. همچنین، پیشنهاد شده است که، اگر وجه التزام معین در قراردادها با خسارت واقعی ناشی از پیمان شکنی تناسب معقول نداشته باشد، دادگاه بتواند میزان آن را تغییر دهد.

### اصل آزادی قراردادی در حقوق موضوعه ایران

اصل آزادی قراردادی در حقوق موضوعه ایران دارای نتایج زیر است:

۱. اشخاص می‌توانند قرارداد را زیر هر عنوان که مایل باشند منعقد کنند و نتایج و آثار آن را به دلخواه معین کنند. به موجب این اصل افراد مکلف نیستند از قالب‌ها و نمونه‌های که قانون در اختیارشان گذاشته است استفاده کنند یا آنکه توافق‌های خود را به صورت مشروط ضمن عقد درآورند. افراد ممکن است قراردادهایی ببندند که جزء هیچ یک از عقود معین نباشد. همچنین می‌توانند هر یک از عقود معین را با حذف مختصات آن به صورت قرارداد م ۱۰ قانون مدنی درآورند یعنی مثلاً اگر بیعی منعقد کنند و اختیارات مجلس و حیوان و تأخیر ثمن آن را حذف کنند، آن بیع در واقع بیع نیست بلکه قرارداد ماده ۱۰ قانون مدنی می‌باشد.

۲. بعد از انعقاد قرارداد، اراده انسان باید محترم شمرده شود و مقامات عمومی حق ندارند آثار قرارداد و تعهد طرفین را تغییر دهند.

دادگاه نمی‌تواند شرایط قرارداد آنها را تعدیل کند یا در آن در قرارداد تجدید نظر کند. قانون‌گذار نیز باید از دخالت در این امر خودداری کند و تنها طرفین قرارداد هستند که می‌توانند با توافق و رضایت یکدیگر آثار قرارداد را تغییر دهند یا آن را اقامه کنند.

۳. قرارداد با توافق واقع می‌شود و اصل در عقود و قراردادهای رضایی بودن آنهاست؛ به عبارت دیگر امروزه قراردادها از قید تشریفات رهایی یافته و رضایی‌اند. رضایی بودن قراردادها چهره‌ای از اصل حاکمیت اراده است و تشریفات بودن آن (مثلاً بصورت سند رسمی یا شکل خاص دیگر) جنبه استثنایی محسوب می‌گردد. در واقع بیان اراده، وسیله دست‌یافتن به خواسته‌های واقعی آنان است و با هر لفظ و حرکت که انجام شود اثر دارد.

۴. در تفسیر قراردادها باید به آن چه که مراد واقعی طرفین بوده است توجه شود. الفاظ قرارداد تا حدی اعتبار دارند که مبین اراده واقعی طرفین قرارداد باشند. به همین خاطر اگر معلوم شود که مقصود طرفین غیر از چیزی است که الفاظ و عبارات اقتضا می‌کند طبق قاعده معروف «العقود تابعه للقصد» باید اراده واقعی طرفین در نظر گرفته شود و قرارداد بر اساس اراده واقعی تفسیر شود.

قاضی باید در تفسیر قرارداد در کشف اراده واقعی طرفین بکوشد و برای قرارداد همان آثاری را قایل شود که آنان خواسته‌اند. عناوینی که طرفین به قرارداد می‌دهند قاطعیت ندارند مثلاً اگر اراده واقعی طرفین اجاره باشد ولی لفظ بیع را بکار برند قاضی با توجه به اراده واقعی طرفین، قرارداد را توصیف می‌کند و عنوان اجاره را به آن می‌دهد، یا اگر کسی در مقابل طلبکاری بگوید: تعهد می‌کنم که بدهی مدیون تو را بپردازم، این تعهد را می‌توان ضمانت عقدی (ماده ۶۴۸

قانون مدنی: در عقد ضمان عبارت است از اینکه شخص مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. به مفهوم قانون مدنی تلقی کرد و قایل به انتقال دین از ذمه بدهکار اصلی به ذمه شخص ثالث گردید، هر چند که لفظ ضمان و ضامن به کار نرفته باشد، مگر اینکه معلوم شود که مقصود طرفین بقاء دین بر ذمه بدهکار اصلی بوده است. هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز در رای اصراری مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۲ قاطع نبودن عناوین عقود و لزوم توجه به اراده واقعی طرفین را پذیرفته است.

۵. اثر قرارداد نسبی است و محدود به طرفین قرارداد می‌باشد و دیگران از آن سود و زیان نمی‌برند. آزادی هر شخص تا جایی محترم است که به آزادی دیگران خللی وارد نکند و علی‌الاصول کسی نمی‌تواند تعهدی بر دیگری تحمیل کند یا به سود او حقی بوجود آورد.

### عوامل محدود کننده اصل

پایه اصل آزادی اراده، احترام به شخصیت انسانی است؛ به این معنی که ظهور کمال شخصیت انسان منوط به آزادی اراده او است و قانون فقط باید جلوی تصادم اراده‌های آزاد را بگیرد تا تالی فاسدی بر این آزادی مترتب نشود و مصالح جمعی فدای آزادی اراده فردی نگردد. غیر از مواردی که اشخاص در قراردادهای خصوصی آزادی خود را محدود می‌سازند، در مواردی نیز عوامل خارجی این اصل را محدود می‌کند. بر اساس ماده ۹۷۵ ق. م می‌توان موانع اصل آزادی قراردادی را در سه عامل جستجو کرد:

#### ۱- قانون

قانون‌گذار ضمن تایید این اصل نفوذ قرارداد را موقوف به مخالفت نداشتن با قانون کرده است. (ماده ۱۰ ق. م.) و حکومت قانون را برتر از تراضی اشخاص می‌داند و حاکمیت اراده را نمی‌پذیرد. قانون مدنی شرایط درستی قراردادها را به طور کلی معین می‌کند و در هر یک از عقود معین نیز شرایط خاصی بر آن می‌افزاید. اما مشکل آنجاست که گاهی هدف از وضع قانون ایجاد قاعده تخلف‌ناپذیر نیست؛ به تعبیر دیگر قانون امری است. در بعضی موارد نیز قانون‌گذار نظر ارشادی دارد و طرفین می‌توانند برخلاف قانون تراضی کنند؛ به عبارت دیگر قانون تکمیلی است. تمیز قوانین امری از تکمیلی دشوار است ولی می‌توان گفت غالب مقرراتی که شرایط اساسی صحت معاملات را بیان می‌کند امری است. مثلاً شرایط مربوط به اهلیت طرفین و اشتباه و اکراه و چگونگی توافق قصد و رضا، به منظور حفظ آزادی اراده و تامین رضای واقعی دو طرف وضع شده است و کمتر می‌توان در امری بودن آنها تردید کرد. در مورد آثار قرارداد باید قواعد مربوط به معاملات و امور مالی را از مقررات ناظر به احوال شخصی جدا کرد. در دسته اول، قانون‌گذار برای اشخاص آزادی کامل قائل شده و به ندرت قواعد مالی را امری ساخته است. برعکس قواعد مربوط به احوال شخصی اصولاً امری است و تخلف از آن فقط در صورتی امکان دارد که در قانون پیش‌بینی شده باشد.

#### ۲- نظم عمومی

نظم عمومی به تناسب موضوع خود چهره‌های گوناگونی دارد: برای مثال نظم در خانواده ایجاب می‌کند که کودکان در ولایت پدر باشند و زن و شوهر یاور هم باشند؛ نظم اقتصادی اقتضاء دارد که ثروت به عدل و متناسب با میزان و چگونگی کار تقسیم شود، و نظم قضایی باعث تقسیم کار بین دادگاه‌ها و دادن حق دفاع به متهم و صدور حکم بر مبنای قانون است. به طور کلی قوانین مربوط به نظم عمومی قوانینی است که هدف از وضع آن حفظ منافع عمومی باشد و تجاوز بدان نظم را که لازمه حسن جریان امور اداری یا سیاسی و اقتصادی یا حفظ خانواده است بر هم زند.

## ۳- اخلاق حسنه

مقصود از اخلاق حسنه، منش و کردار محسنین و پرهیزکاران جامعه است؛ منبعی که بخش مهمی از قواعد نظم عمومی از آن می‌تراود و مانع از تجاوز قراردادهای خصوصی به اخلاق است. بنابراین اخلاق حسنه نیز چهره خاصی از نظم عمومی است؛ بخشی از اخلاق که هنوز در قوانین نفوذ نکرده و ضامن اجرای آن تنها وجدان اجتماعی است. می‌توان گفت آنچه با اخلاق حسنه منافات دارد با نظم عمومی نیز مخالف است. ولی امکان دارد قراردادی که با نظم عمومی در تعارض است از نظر اخلاقی ناپسند به نظر نیاید. افزودن اخلاق حسنه بر موانع نفوذ عقد این اثر مهم را دارد که به دادرسی اجازه می‌دهد، در مقام حفظ مصلحت عموم، پا را از متون قوانین فراتر نهد. وگرنه اخلاق حسنه با نظم عمومی چنان ارتباط دارد که به دشواری می‌توان آن دو را در برابر هم مستقل شمرد.

## نتیجه‌گیری

به موجب این ماده که به اصل آزادی قراردادها شناخته شده، اعتبار تعهدات و حاکمیت اراده مورد قبول قانونگذار واقع شده است. در این ماده چنین آمده است: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.

اصل آزادی قراردادی در حقوق موضوعه ایران دارای نتایج زیر است:

۱. اشخاص می‌توانند قرارداد را زیر هر عنوان که مایل باشند منعقد کنند و نتایج و آثار آن را به دلخواه معین کنند. به موجب این اصل افراد مکلف نیستند از قالب‌ها و نمونه‌های که قانون در اختیارشان گذاشته است استفاده کنند یا آنکه توافق‌های خود را به صورت مشروط ضمن عقد درآورند. افراد ممکن است قراردادهایی ببندند که جزء هیچ یک از عقود معین نباشد. همچنین می‌توانند هر یک از عقود معین را با حذف مختصات آن به صورت قرارداد م ۱۰ قانون مدنی درآورند یعنی مثلاً اگر بیعی منعقد کنند و اختیارات مجلس و حیوان و تأخیر ثمن آن را حذف کنند، آن بیع در واقع بیع نیست بلکه قرارداد ماده ۱۰ قانون مدنی می‌باشد.

۲. بعد از انعقاد قرارداد، اراده انسان باید محترم شمرده شود و مقامات عمومی حق ندارند آثار قرارداد و تعهد طرفین را تغییر دهند. دادگاه نمی‌تواند شرایط قرارداد آنها را تعدیل کند یا در آن در قرارداد تجدید نظر کند. قانون‌گذار نیز باید از دخالت در این امر خودداری کند و تنها طرفین قرارداد هستند که می‌توانند با توافق و رضایت یکدیگر آثار قرارداد را تغییر دهند یا آن را اقامه کنند.

۳. قرارداد با توافق واقع می‌شود و اصل در عقود و قراردادهای رضایی بودن آنهاست؛ به عبارت دیگر امروزه قراردادها از قید تشریفات رهایی یافته و رضایی‌اند. رضایی بودن قراردادها چهره‌ای از اصل حاکمیت اراده است و تشریفات بودن آن (مثلاً بصورت سند رسمی یا شکل خاص دیگر) جنبه استثنایی محسوب می‌گردد. در واقع بیان اراده، وسیله دست‌یافتن به خواسته‌های واقعی آنان است و با هر لفظ و حرکت که انجام شود اثر دارد.

۴. در تفسیر قراردادها باید به آن چه که مراد واقعی طرفین بوده است توجه شود. الفاظ قرارداد تا حدی اعتبار دارند که مبین اراده واقعی طرفین قرارداد باشند. به همین خاطر اگر معلوم شود که مقصود طرفین غیر از چیزی است که الفاظ و عبارات اقتضا می‌کند طبق قاعده معروف «العقود تابعه للقصود» باید اراده واقعی طرفین در نظر گرفته شود و قرارداد بر اساس اراده واقعی تفسیر شود.

قاضی باید در تفسیر قرارداد در کشف اراده واقعی طرفین بکوشد و برای قرارداد همان آثاری را قایل شود که آنان خواسته‌اند. عناوینی که طرفین به قرارداد می‌دهند قاطعیت ندارند مثلاً اگر اراده واقعی طرفین اجاره باشد ولی لفظ بیع را بکار برند قاضی با توجه به اراده واقعی طرفین، قرارداد را توصیف می‌کند و عنوان اجاره را به آن می‌دهد، یا اگر کسی در مقابل طلبکاری بگوید: تعهد می‌کنم که بدهی مدیون تو را بپردازم، این تعهد را می‌توان ضمان عقدی (ماده ۶۴۸ قانون مدنی: در عقد ضمان عبارت است از اینکه شخص مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد....) به مفهوم قانون مدنی تلقی کرد و قایل به انتقال دین از ذمه بدهکار اصلی به ذمه شخص ثالث گردید، هر چند که لفظ ضمان و ضامن به کار نرفته باشد، مگر اینکه معلوم شود که مقصود طرفین بقاء دین بر ذمه بدهکار اصلی بوده است. هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز در رای اصراری مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۲ قاطع نبودن عناوین عقود و لزوم توجه به اراده واقعی طرفین را پذیرفته است.

۵. اثر قرارداد نسبی است و محدود به طرفین قرارداد می‌باشد و دیگران از آن سود و زیان نمی‌برند. آزادی هر شخص تا جایی محترم است که به آزادی دیگران خللی وارد نکند و علی‌الاصول کسی نمی‌تواند تعهدی بر دیگری تحمیل کند یا به سود او حقی بوجود آورد.

### منابع و مآخذ

ابدالی، مهرزاد. (۱۳۸۰). نظریه کلی نظم عمومی و اخلاق حسنه در حقوق مدنی (مطالعه تطبیقی). رساله دوره دکتری حقوق خصوصی. دانشگاه تربیت مدرس.

انصاری، مرتضی، مکاسب، ج ۶، ص ۶۲، قم، تراث شیخ اعظم، ۱۳۷۸.

بازگیر، یدالله. (۱۳۸۵). منتخب آرای دیوان عالی کشور در قراردادها. تهران: انتشارات فردوسی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مکتب‌های حقوقی در اسلام، ص ۶۵، چاپ دوم، تهران گنج دانش، ۱۳۷۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۱۴۵، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۶.

حائری، مسعود. (۱۳۷۳). اصل آزادی قراردادها. تهران: انتشارات کیهان.

سعیدی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی مبانی مشروعیت اصل آزادی قراردادها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: نشر مجد.

صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم. تهران: نشر میزان. چاپ دهم.

صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۴۷، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

عرفانی، توفیق. (۱۳۸۱). قرارداد در حقوق اسلام و ایران. جلد یک. تهران: انتشارات کیهان

قنواتی، جلیل و ابراهیم عبدی‌پور و سیدحسن وحدتی شبیری، حقوق قراردادها در فقه امامیه، ص ۱۹۹، تهران، سمت، ۱۳۷۹، چاپ اول

---

## Examining legal issues in the context of the principle of freedom of contract

Hosein Heydari<sup>1</sup>

---

### Abstract

The purpose of this research is to examine legal issues in the field of the principle of freedom of contracts. This research has been conducted analytically. The principle of freedom of contract is the main principle accepted that individuals are free to conclude bilateral or multilateral contracts and no one can impose any restrictions on the will of man to determine the terms and limits. In other words, everyone can accept or refuse to accept binding obligations and contracts that are legally enforceable and have an enforceable guarantee. This principle has been accepted as part of the principle of sovereignty in Iranian law by Article 10 of the Civil Code. According to this article, "private contracts are enforceable against those who have concluded them unless they are expressly contrary to the law." Therefore, except in cases where the law has created an obstacle to the validity of the contract, the will of the individuals governs the fate of their contracts and freedom of will must be accepted as a principle.

### Keywords

Right, ruling, contracts, principle of freedom, principle of freedom of contracts

---

<sup>1</sup> Bachelor of Laws in Registration (Email: Hosein.heydari7477@gmail.com)